

پانزدهم

www.ketab.ir

آرش خراسانزاده

سرشناسه: خراشادیزاده، آرش، ۱۳۶۰-

عنوان و نام پدیدآور: پاییز سبز/ آرش خراشادیزاده.

مشخصات نشر: سراوان: کتاب بلوچ، ۱۴۰۰.

مشخصات ظاهری: ۶۸ ص: ۵/۱۴×۵/۲۱ س.م.

شابک: 978-622-7541-24-3

وضعیت فهرست نویسی: فیپا

موضوع: شعر فارسی-- قرن ۱۴

Persian poetry -- 20th century

رده بندی کنگره: PIR۸۳۴۲

رده بندی دیویی: ۶۲/۱۸۸

شماره کتابخانه ملی: ۸۶۷۶۵۴۵

اطلاعات رگورد کتابشناسی: فیپا

پاییز سبز

نویسنده: آرش خراشادیزاده

ناشر: انتشارات کتاب بلوچ، سراوان خیابان آزادی ۹۱۵۳۴۷۳۴۹۹-۰۵۴۳۷۶۳۱۵۸۲

طرح جلد: بهناز مالکی شجاع

لیتوگرافی:

نوبت چاپ: اول

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۷۵۴۱-۲۴-۳

سال انتشار: زمستان ۱۴۰۰

ابعاد و قطع: رقعی

تمامی حقوق این اثر متعلق به نویسنده می باشد.

فهرست (نمایه):

۰.....	پیش گفتار.....
۱.....	مقدمه.....
۲.....	"عقل دل".....
۳.....	"شعر فراق".....
۵.....	"آخرین پناه".....
۶.....	"محال".....
۸.....	"محتاج".....
۱۰.....	"زندگی یعنی تو".....
۱۱.....	"درخت امید".....
۱۴.....	"ناله‌ی عشق".....
۱۵.....	"نان".....
۱۶.....	"یک نگاه".....
۱۷.....	"صدای اولین نفس".....
۱۹.....	"مهتاب".....
۲۰.....	"شب و یادت".....
۲۱.....	"گریز".....
۲۴.....	"داستان چنار".....
۲۸.....	"حکایت غوغا".....
۲۹.....	"درد".....
۳۰.....	"شعر امید".....
۳۲.....	"هست و نیست".....
۳۳.....	"منطق خلقت".....
۳۴.....	"بابا آب داد".....

۳۹.....	"انتظار"
۴۱.....	"آرامش"
۴۳.....	"تعبیر"
۴۵.....	"به چشمانت"
۴۶.....	"بر من بتاب"
۴۹.....	"میهمانی پاییز"
۵۲.....	"بهبانه‌ی غزل"
۵۳.....	"آرزوی بهار"
۵۵.....	"جنگ نابرابر"
۵۷.....	"عذاب"
۵۸.....	"مغروق"
۶۰.....	"وصال محال"
۶۱.....	"عاشق"
۶۲.....	"یلدای بی تو"
۶۳.....	"عادت"
۶۶.....	"خیال یار"
۶۷.....	"گلایه"
۶۸.....	"راز"
۶۹.....	"رؤیا"

بیش گفتار

هر یک از ما از زندگی زخمهای متفاوتی خورده‌ایم و اگر دردها گم شده‌اند، جای زخمها بر تن مانده است. من نیز به مثابه دیگر انسانهای این کره خاکی در زندگی دردها و زخمهای فراوانی را تجربه کرده‌ام. زخمهایی که گاه از درد نان بوده و گاه از زخم تنهایی و بعضی اوقات هم از انزوا. قطعاً این زخمها در تکامل شخصیتیم و نیز جهت گیری اشعارم نقش بسزایی داشته است و بیش از همه آنهایی در من تأثیر داشته که زخمی از سر احساس بر روحم نشانده است.

در طی سالهای زندگی‌ام در محرومترین مناطق این سرزمین زندگی کرده‌ام و بیشترین درسها را از این جغرافیای عزیز آموخته‌ام. اهل خراسانم و تا ۲۵ سالگی در آن دیار زیسته‌ام و از آن پس تاکنون که بیش از ۱۵ سال از آن می‌گذرد را در سیستان و بلوچستان گذرانده‌ام (اینها را به این دلیل می‌گویم که بدانید در شرقی‌ترین و به بیانی، محرومترین بخشهای این کشور زندگی کرده‌ام و در آن رشد کرده‌ام و این را به عنوان یک سند افتخار همواره بیان می‌دارم). در تمام این مناطق که بگردی، حتی اگر جرعه آبی (که به واقع معنای مایع زندگی بخش را در کویر به خود می‌گیرد) برای نوشیدن نیابی، آنچه که فراوان میبینی عشق است و عشق است و عشق.

مهربانی، یک رنگی، صفا و صمیمیت این مردم، بزرگترین معلم عشق و ایثار برای من بوده است و من اگر هیچ دستاوردی از

زندگی نداشته باشم عاشقی کردن را به خوبی بلدم. عشق ورزیدن به دستان پینه بسته‌ی کارگر و یا کشاورز سخت کوش خراسانی و یا ساربانها و ماهیگیران سیستان و بلوچستانی را آموخته‌ام. من به تمامی مردمان سرزمینم عشق می‌ورزم و همینطور به سرزمینم. جای جای این سرای بلند آوازه‌ی سربلند تاریخ، برایم دانشگاه عشق آموزی بوده و هست.

با همه‌ی این کوله بار عشق، بی شک شعرهایم نیز از جنس عشق است و مسیری جز عشق ورزی را دنبال نمی‌کند. این دفتر نیز مجموعه‌ای از اشعار عاشقانه و چندتایی اشعار اجتماعی است که در طی چهلین سال زندگی سروده‌ام و از آنجایی که سرودن و خواندنشان برای خودم بسیار لذت بخش بوده است، امیدوارم این احساس لذت را در شما خواننده‌ی عزیز نیز برانگیزاند.

به رسم ادب سپاسگزاری می‌کنم از تمام آنها که به بهتر زیستنم و رشد و بالندگی جسم و فکر و اندیشه‌ام کمک کردند، از پدر و مادر مهربانم و حاج اسماعیل که بهترین معلم زندگی‌ام بوده است و همینطور همسر دوست داشتنی‌ام که در تمام عاشقانه‌هایم جزء لاینفک عشق ورزی‌هایم می‌باشد صمیمانه تشکر می‌کنم.

آرش خراشادیزاده

پاییز ۱۴۰۰